

زندگی نامه کوتاهی از استاد شجاع الدین شفا

استاد شجاع الدین شفا در سال ۲۴۵۷ ایرانی، برابر با ۱۲۹۷ خورشیدی برابر با ۱۹۱۸ در شهر قم در یک خانواده که از دیرباز به پیشه پزشکی و شفا دادن مردم گذران زندگی می کردند زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم و تهران به پایان رساند و از دانشگاه تهران در رشته ادبیات فارسی لیسانس گرفت و سپس برای ادامه تحصیل به بیروت و پاریس رفت.

در سال ۲۴۸۰ برابر با ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) پس از آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال فرانسه از سوی نازی های هیتلری و سپس تجاوز کشور های هم پیمان به خاک ایران، به کشورش بازگشت و به عنوان مترجم در اداره کل تبلیغات و رادیو که با پشتکار رضا شاه بزرگ گشایش یافته بود استخدام شد، همزمان فعالیت سیاسی را نیز آغاز کرد. در همین سالها به اتفاق تنی چند از همفکرانش حزب میهن پرستان را تشکیل داد و روزنامه ای را نیز با همین اسم منتشر کرد که سرمقاله های آن همیشه به قلم او بود.

حزب میهن پرستان، حزبی ملی گرا بود که با شعار بیزاری از وابستگی به بیگانگان به حزب توده می تاخت.

در زمانی که حسین علا وزیر دربار بود، شجاع الدین شفا به وزارت دربار منتقل شد و در سال ۲۴۹۸ (۱۳۳۸) به معاونت فرهنگی وزیر دربار منصوب گردید. برگزاری جشن دو هزار پانصد ساله و تغییر تاریخ هجری شمسی به تاریخ ایرانی از ایده های شجاع الدین شفا بود.

این تاریخ در یک جلسه به حضور شاهنشاه ایران پیشنهاد و مورد توجه قرار گرفته بود.

در جلسه مشترکی از نظامیان، وزیران، نخست وزیر و دیگر شخصیت های فرهنگی در حضور شاهنشاه برای تجلیل از پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی تشکیل یافته بود، آغاز تاریخ ایرانی بر مبنای منشور حقوق بشر کوروش، در ۵۳۹ سال پیش مطرح و مورد تصویب قرار گرفت.

پیشنهاد شده بود:

سال ۵۳۹ پیش از زاده شدن عیسی را سرآغاز تاریخ ایران بشمار آورند، سالی که کوروش بزرگ در شهر بابل فرمان هوده های مردمی (منشور حقوق بشر را) بنگارش درآورد و بدست تاریخ سپرد.

سال ۵۳۹ پیش از عیسی را نه تنها سرآغاز تاریخ ایران، بلکه می توان آن را سرآغاز تاریخ جهان شمرد، چرا که تا آن زمان، تاریخ، میدان کشاکش زورآوران زمانه بود برای بدست گرفتن چوبدست فرمانروایی، در پی گشوده شدن دروازه های بابل بدست سپاهیان مهر گستر کوروش بزرگ، و رها سازی اسیران در بند، و بنگارش درآوردن فرمان هوده های مردمی، مردم یا به میدان تاریخ گذاشتند.

پس از مدتها شور و مشورت با فرهیختگان و تاریخ نگاران و رعایت همه جوانب و پروتوکل ها بطوریکه یک چنین تغییری موجب رنجش همسایگان عرب نشود (در آن زمان روابط بسیار حسنه ای با اعراب و اسراییل وجود داشت)؛ گذشته از آن شایسته نبود تا این تغییر گزکی دست یهودیان بدهد که مبادا تصور کنند به دلیل آزاد سازی یهودیان از بابل این تغییر در جهت نزدیک شدن به اسرانیل صورت گرفته است.

تصمیم بر آن می شود که مبدا گاهنامه زمان انتشار فرمان کوروش بزرگ در مورد آزادی مردم بابل باشد (سیلندر معروف کوروش بزرگ).

در فردای آن جلسه پرشور، که همه چیز تایید و امضا شده بود، شاهنشاه درحالیکه بسیار نگران بود، استاد شجاع الدین شفا را به دفتر خویش فرا می خوانند و ضمن ابراز نگرانی، اعلام میدارند، دیشب تا بامداد خواب به چشم ما نیامده،

نگران هستم اگر تاریخ بر مبنای منشور حقوق بشر کوروش که ارتباطی با آزادی یهودیان دارد بکار گرفته شود همسایگان عرب ما را خشمگین خواهد کرد، و ما که در حال سازندگی هستیم دشمنان بیشتری خواهیم یافت. به ویژه که بشدت در یک جنگ سرد با عراق قرار داریم، تاریخ را به زمان دیگری تغییر بدهید. استاد شفا مسئله تصویبنامه جلسه را عنوان می کنند ولی شاهنشاه همچنان ابراز نگرانی می فرمایند. تا آنکه با مشورت دوباره برخلاف نظر تمام شرکت کنندگان در جلسه و برخلاف آرمان و آرزوی شاهنشاه تاریخ به بیست سال پیش تر کشانده می شود. یعنی با وجود اینکه سندی استوار بر روز تاجگذاری کوروش نیست ولی به آنروز استناد می گردد که بیست سال پیش از ورود شکوهمند او به بابل رخ داده بود.

استاد شفا در یک گفتگوی تلفنی که پیروان با نامه ای به نگارنده اعلام داشتند شاهنشاه خود علاقمند بود تا تاریخ بر مبنای هوده های مردمان بابل براساس تاریخ چهاردهم اکتبر ۵۳۹ سال پیش از زایش مسیح و بر مبنای منشور حقوق بشر کوروش بنا شده باشد؛ ولی موقعیت زمان، و مسئله امنیت ایران، و دوری جستن از حملات جنگ سرد و یا احتمالاً جنگ فیزیکی اجبار به تغییر آنرا ضروری میکند. ایشان در نامه ای چنین نوشته اند:

«بنای تاریخ شاهنشاهی که در دوران پادشاهی محمد رضا شاه پهلوی اساس تاریخ شاهنشاهی قرار گرفت، میبایست بر بنای تاریخ صدور بیانیه معروف کورش بزرگ می بود که در همان زمان نیز پیشنهاد شده بود ولی، بجهت سیاسی وقت که بسیار بهم قابل دک بود با وجود منطقی بودن امر صلاح دانسته نشد ولی امروز که آن ملاحظات سیاسی بر طرف شده بنای تاریخ ایران بر اساس بیانیه جهانی حقوق بشر کورش بسیار بجای باشد.»

شایسته است گاهنامه ایرانی براساس بیانیه جهانی حقوق بشر کوروش بکار گرفته شود. از اینروز است در تارنمای استاد شفا و در این نگارش به آن گاهنامه اشاره می شود.

هوشنگ نهاوندی رئیس دانشگاه در این جلسه گفت: «تعیین مبدأ جدید برای تاریخ ایران، اساسی ترین قدم برای رسمیت دادن بر قومیت کهنسال ایرانی است.»

تقویم جدید يك تقویم صد در صد ایرانی و ملی و باز گوینده تحول اصیل تاریخ پرافتخار ماست.»

فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی شیراز در این جلسه گفت: «ایران به صورت يك واحد مستقل، و ملت ایران به صورت يك گروه متشکل، با کورش و سلسله هخامنشی به وجود آمد.»

امیر عباس هویدا نخست وزیر بعد از تصویب در این جلسه سخنانی گفت. از جمله: «ما در این لحظات از قرن بیست و ششم تاریخ شاهنشاهی سخن می گوئیم. بدیهی است که تقویم هجری قمری که تاریخ مذهبی ماست، بجای خود محفوظ خواهد ماند ... ولی تصمیم امروز شما در واقع تجلی این واقعیت تاریخی است که در تمام این دوران طولانی، يك ایران و يك نظام شاهنشاهی وجود داشته و دارد، و این دو آنچنان به یکدیگر پیوسته اند که يك مفهوم دارند.»

استاد شجاع الدین شفا، پس از شورش ۱۹۷۹ مانند بسیاری از مردم ایران در خارج و در شهر پاریس اقامت گزید.

زندگی شجاع الدین شفا را بنا به گفته خود او به سه دوران متمایز می توان بخش کرد:

دوران جوانی:

دوران جوانی او که بیشتر صرف ترجمه آثار بزرگان ادب جهان گردید که مجموع ترجمه های او یکی از گنجینه های پر ارزش فرهنگ و ادبیات ایران محسوب می شود. از جمله این ترجمه ها، کمدی الهی دانته، دیوان شرقی گوته، اشعار بایرن، نغمه های شاعرانه لامارتین، اشعار ویکتور هوگو، ترانه های بیلی تیس، بهشت گمشده جان میلتن و دهها اثر

جاودان غرب را شامل می‌گردد. شایسته است گفته شود برگردان کتاب های سنگین در این سطح به پارسی آنهم به آن شیوایی یکی از شاهکار های هنری استاد شفا بحساب می‌آید.

تا سال ۲۵۱۷ (۱۳۵۷)، حدود شصت عنوان برگردان و تألیف از شجاع الدین شفا به چاپ رسید که نام آورترین آنها، ترجمه کمدی الهی، اثر دانته آلیگیری، شاعر سده های سیزدهم و چهاردهم ایتالیاست که در سال ۱۹۵۶ (۱۳۳۵) برای نخستین بار در ایران به چاپ رسید. شاید آن زحمتی که استاد شفا برای برگردان کمدی الهی بکار بسته است از سوی دانته آلیگیری مصروف نشده باشد. این نسک به قدری پیچیده است که برگردان آن استادی ویژه ای لازم دارد و تنها از شخصیتی مثل استاد شفا بر می‌آید. در همان زمان هم برگردان چنین کتابی جرات و جسارت و دلیری ویژه ای می‌خواست.

کمدی الهی، در سه جلد با عنوان دوزخ، برزخ و بهشت، سفر خیالی دانته به جهان پس از مرگ است، آنچه به ترجمه شجاع الدین شفا غنای بیشتری بخشیده، پاورقی‌هایی است که تقریباً حجمی برابر با حجم کتاب دارد و شخصیتها و رویدادهایی را که در متن اصلی کتاب به آنها اشاره شده به خواننده معرفی می‌کند.

کمدی الهی پس از شورش ۱۹۷۹ دیگر تجدید چاپ نشد، تا سالها نایاب بود و معدود نسخه هایی که از آن در بازار مانده بود به بهایی گزاف به صورت قاچاق فروخته می‌شد تا اینکه سرانجام در سالهای اخیر به همت فرزندش بسیاری از آثار استاد شفا تجدید چاپ شده است.

دوران میان سالی:

دوران میانسالی و پختگی استاد شفا خدمت او در دربار پادشاه ایران بود که به گفته بسیاری شجاع الدین شفا فرهنگ و ادبیات ایران را همواره با دربار پهلوی عجین بود به بالاترین دوران خود رساند. حاصل این دوران خدمت او در دربار پادشاه، پروژه کتابخانه پهلوی بود که اگر به ثمر می‌رسید، از جمله یکی از بزرگترین کتابخانه های دنیا به حساب می‌آمد. علاوه بر آن با برنامه جشن های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران که به پیشنهاد او برگزار شد، صدها بلکه هزار ها مقاله و رساله و کتاب به زبان های مختلف دنیا در باره فرهنگ و تمدن ایران در سرتاسر جهان نوشته و منتشر گردید که تا آن تاریخ در دنیا بی سابقه بوده. به دلیل برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله بطور بی نظیری بیش از ۲۵۰۰ آموزشگاه و مدرسه و صدها بیمارستان و مهد کودک گشایش یافت. هزاران نفر در سرتاسر دنیا با تمدن ایران آشنا شدند. مهمتر از همه جمع آوری مجموعه «جهان ایران شناسی» بود که نخستین جلد آن در ایران انتشار پیدا کرد و دومین جلد آن که مربوط به اسپانیا بود به زبان اسپانیایی و فارسی در خارج از کشور چاپ شد.

رایزن فرهنگی:

شجاع الدین شفا در روزگاری به دربار پهلوی راه یافت که جانبداری از خاندان سلطنتی از دید احزاب چپ وابسته و به اصطلاح "روشنفکران" نشانه ارتجاع بود.

او رایزن فرهنگی شاه شد و نقش مهمی در سیاست گذریهای فرهنگی شاه ایفا کرد، بویژه در سیاستهای ملی گرایانه شاهنشاهی و اندیشه بزرگداشت و احیای "عظمت" ایران باستان و نکوهش حمله اعراب به ایران و روشنگری تاریخ و تاثیرات آثار فرهنگ اسلامی در روحیه ایرانیان سرآمد عصر خود شد بطوریکه اکثر دانشگاه های معتبر جهان پژوهش های استاد شفا را در ردیف کارهای نویسندگان و پژوهشگران معتبر قرار میدهند. یونسکو و دانشگاه سوربون پاریس از نمونه این قدر شناسان می‌باشند.

شجاع الدین شفا با قلم فاخرش، نویسنده سخنرانیهای مهم شاه شد.

واپسین سالهای خدمت شجاع الدین شفا در دربار شاهنشاهی، متمرکز بر برپایی کتابخانه ای عظیم شد که به دستور محمدرضا شاه پهلوی، بنا بود ایران را به کتابخانه های مهم جهان پیوند دهد و الگویی برای دیگر کشورها شود.

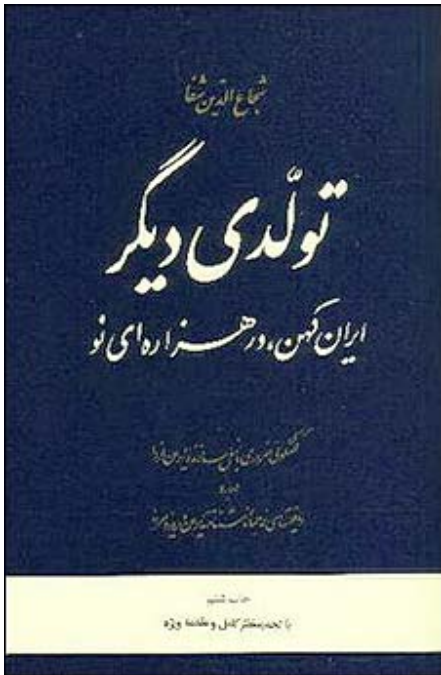
شاه فرمان ساخت کتابخانه را در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳=۲۵۱۲) صادر کرد و شجاع الدین شفا را که در آن زمان معاون فرهنگی وزارت دربار بود مأمور ساخت کتابخانه کرد و ریاست آن را به او سپرد و انصافاً تا سال ۱۹۷۹ در کمتر از شش سال هزاران جلد کتاب های معتبر در این کتابخانه جمع آوری شد و رد پای فرهنگ ایران تا گوشه کنار ایران از چین تا آمریکای جنوبی دنبال شد.

قرار شد "کتابخانه ملی پهلوی" در قلب تهران ساخته شود و ظرف ده سال به بهره برداری برسد و در همان آغاز، ششصد هزار عنوان کتاب و بیش از ۲۵ هزار عنوان نشریه را در خود جای دهد. ولی یورش هماتنده «قادسیه نخست» همان بلایی را که به کتابخانه تیسفون آورد نصیب کتابخانه پهلوی کرد.

دوران سوم زندگانی:

دوران سوم زندگی استاد شفا، پس از شورش ۱۹۷۹ میلادی در ایران است.

شورش سال ۱۹۷۹ که در نگاه استاد شفا به قادسیه دوم می ماند، شجاع الدین شفا را به کوچ اجباری فرستاد، طرح کتابخانه ملی پهلوی برای همیشه ناکام ماند و کتابخانه شخصی شجاع الدین شفا هم که به نوشته خودش، چهارده هزار جلد کتاب در آن داشته، مصادره شد.



شجاع الدین شفا نوشته است تقریباً همه این چهارده هزار جلد کتاب را خوانده و حاشیه نویسی کرده.

شجاع الدین شفا در فرانسه اقامت گزید، فصل تازه زندگی اش را با قلم زدن علیه نظام جدید حاکم بر ایران آغاز کرد و بزودی کتابی منتشر کرد که یکی از شاهکار های ادبی ایران و یک پژوهش ژرف در ادیان ابراهیمی است. بنمایه این کتاب به بیش از بیست برگ می رسد (۵۵۳-۵۹۰).

نسخ «تولد دیگری»، سخنی است ژرف با سند های تاریخی و پژوهشی بی نظیر رو به نسل آینده ایران. خواندن این اثر شیوا برای هر ایرانی بسیار توصیه می شود.

در سرآغاز این نسخ آمده است: «از یاد نبرید که اصالت انسانی هر کس در گرو

این است که صاحب اختیار فکر و اندیشه خودش باشد این هویت انسانی را به هیچ نفروشد. شمارا بخدا گو سفند نباشید.»

آثار این دوره از زندگی او، از لحاظ پایه های علمی و پژوهشی استواری نوشته ویژه ای دارد که در جایگاه بهترین اثر های جهانی مطلوب سازمان های فرهنگی، دانشگاه ها و یونسکو می باشد.

زندگی پس از شورش استاد شفا، از همان سالهای اول با نوشتن نسخ وزین «ایران در چهار راه سرنوشت» آغاز گردید. در پی آن نیز به ترتیب با کتابهایی مانند، توضیح المسائل (از کلینی تا خمینی)، در پیکار اهریمن، جنایت و مکافات، تولدی دیگر، پس از هزار و چهار صد سال، حقوق بشر، قانون بیضه و بمب اتمی ادامه داشت و همزمان نیز دهها مقاله و رساله از ایشان در نشریات خارج از کشور منتشر گردید.

استاد شجاع الدین شفا پیش از درگذشت خود مشغول آخرین بازدید و آماده کردن کتاب تازه خود بود که تصمیم داشت به زودی آن را منتشر کند.

خدمات شجاع الدین شفا در دربار پهلوی از سالها پیش او را به خار چشمی در بخش بزرگی از آنانی که بیگانه پرستی و پشت به ایران و ایرانی را پیشه کرده بودند، بویژه چپگرایان مبدل کرده بود. کینه توده چپ گرایان از همان زمان که استاد شفا در حزب میهن پرستان مقاله های تند بر علیه بیگانه پرستان می نوشت آغاز شده بود. با وجود این استاد شفا به «ناله های خفاش» گونه این بی وطنان توجهی نداشت و همچنان یک تنه تا واپسین روزهای عمرش از قلم زدن علیه حکومت جمهوری اسلامی، و آگاه ساسی نسل فردای ایران باز نایستاد. چند نامه ایشان خطاب به علی خامنه ای از شاهکار های ادبیات ایران بشمار می رود.

در روزهای آخر زندگی از ناراحتی کمر رنج می برد و پشت میز نشستن برایش دشوار بود، لذا میزی برای خود درست کرده بود تا بتواند سرپا و ایستاده به نویسندگی ادامه بدهد.

شجاع الدین شفا در حالی از دنیا رفت که از او با عنوان شخصیتی فرهیخته و دانشور یاد می شد که به تاریخ و ادبیات ایران و جهان احاطه داشت.

سوابق اداری شجاع الدین شفا:

- معاون وزیر دربار شاهنشاهی
- سفیر بین المللی ایران در امور فرهنگی
- رئیس کتابخانه ملی پهلوی
- دبیر کل انجمن بین المللی ایران شناسی.

سمت های افتخاری:

- * دکتر افتخاری ادبیات دانشکده رم
- * دکتر افتخاری تاریخ دانشگاه مسکو
- * عضو وابسته آکادمی سلطنتی تاریخ اسپانیا
- * عضو وابسته آکادمی هامر پورگشتال اتریش

نشان های فرهنگی:

لژون دونور، فرانسه، پالم آکادمیک، هنور و ادب، فرانسه، صلیب بزرگ شایستگی، (آلمان) نشان شایستگی جمهوری ایتالیا، نشان سلطنتی ویکتوریا (انگلستان) نشان عالی شایستگی اتریش، نشان سلطنتی ستاره شمال، سوند، نشان سلطنتی اورانژ ناسایو، هلند، نشان سلطنتی لنوپولد، بلژیک، نشان گرگوار کبیر، واتیکان، نشان ریویلانکو، برزیل، نشان لیبرتادور، آرژانتین، نشان وسام الشرف، مصر، نشان محمد الخامس، مراکش، نشان وسام الجمهوریه، تونس.

جهان ایران شناسی دایره المعارف روابط فرهنگی ایران بایکایک کشور های جهان از آغاز تا به امروز، که در دهه ۱۳۵۰ در تهران بچاپ رسید از جانب ۲۶ آکادمی، ۴۸ دانشگاه و ۱۶ انستیتوی پژوهشی چهل کشور مختلف جهان مورد تقدیر قرار گرفته است که از جمله آنها می توان:

فرهنگستان فرانسه، فرهنگستان ایتالیا، فرهنگستان علوم اتحاد شوروی (سابق)، فرهنگستان علوم اتریش، فرهنگستان هند، دانشگاه پاریس، کالژ دو فرانس، دانشگاه مسکو، دانشگاه رم، دانشگاه وین، دانشگاه ژنو، دانشگاه استکهلم، دانشگاه اسلو، دانشگاه کپنهاک، دانشگاه های ورشو، کرواکوی لهستان، دانشگاه ه ای گوتینگن، و مونیخ آلمان، دانشگاه های هاروارد و کلمبیا، پرینستون، کالیفرنیا و شیکاگو آمریکا، دانشگاه تورنتو، دانشگاه سیدنی استرالیا،

دانشگاه های دهلی نو و لاهور و داکا هندوستان، دانشگاه های مکزیک، ریودوژانیو و بینونوس آیرس آرژانتین، دانشگاه قاهره مصر، سازمان بین المللی یونسکو، و انجمن بین المللی خاورشناسان نام برد. مجموعه این اظهار نظر ها شامل متن اصلی و ترجمه پارسی آنها در نشریه مستقلی در سال ۱۳۵۵ در تهران بچاپ رسیده است.

استاد شفا در یک ماه گذشته، هفته ای پیش از نوروز، دو بار به علت بیماری در بیمارستان بستری گردید. و در بار دوم بی آنکه نتیجه مثبتی از معالجات خود بگیرند، به درخواست شخصی روز چهارشنبه چهاردهم آوریل به خانه اش منتقل و بامداد شنبه هفدهم آوریل در منزل خود در گذشت

تهیه و تنظیم از :
ح-ک